

مرحبا

مرحبا ای عشق خوش سودای ما
ای طیبب جمله علتهاى ما
جسم خاك از عشق بر افلاك شد
كوه در رقص آمد و چلاك شد
باغ سبز عشق كاو بى منتهاست
جز غم و شادى در او بس ميوه هاست
عشق خود زين هر دو حالت برتر است
بى بهار و بى خزان سبز و تر است
هر كه را جامه ز عشقى چاك شد
او ز حرص و عيب، كلى پاك شد
ای دواى نخوت و ناموس ما
ای تو افلاطون و جالینوس ما